



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

(اللّٰهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ ...) الرُّومُ : ۴۸

خداوند همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و (بادهای) ابری برمی‌انگیزند، سپس آن را در آسمان می‌گستراند ...

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید .

أَثَارَ : برانگیخت	تَسَاقَطَ : پی‌درپی افتاد	صَدَّقَ : باور کرد
إِحْتَفَلَ : جشن گرفت	التَّعَرَّفُ عَلَى : شناختن	حَتَّى تُصَدِّقَ : تا باور کنی
أَصْبَحَ : شد	تَلَجَ : برف، یخ «جمع: تُلُوج»	ظَاهِرَةٌ : پدیده «جمع: ظَوَاهِر»
إِعْصَارَ : گردباد	حَسَنًا : بسیار خوب	فِلمَ : فیلم «جمع: أفلام»
أَمْرِيكَا الوُسْطَى : آمریکای مرکزی	حَيْرَ : حیران کرد	لَا حَظَّ : ملاحظه کرد
أَمْطَرَ : باران بارید	سَحَبَ : کشید	المُحِيطُ الأَطْلَسِيّ : اقیانوس اطلس
بَسَطَ : گستراند	سَمَى : نامید	مَفْرُوشَ : پوشیده، فرش شده
بَعْدَ : دور شد	سَوْدَاءَ : سیاه (مؤنثِ أسود)	مَهْرَجَانِ : جشنواره
تَرَى : می‌بینی، ببینی	سَنَوِيّ : سالانه	نُزُولَ : پایین آمدن، بارش

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى^۱ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!

آیا باور می‌کنی که روزی از روزها ماهی‌ها را ببینی که از آسمان می‌افتند؟

إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَالثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

مسلماً بارش باران و برف از آسمان یک چیز طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمَكِنْ أَنْ نَرَى^۱ مَطَرَ السَّمَكِ؟!

ولی آیا امکان دارد که باران ماهی را ببینیم؟

هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!

آیا گمان می‌کنی که آن باران حقیقی باشد. و فیلمی خیالی نیست.

حَسَنًا فَإِنظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ .

خوب ، پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی .

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكًا .

به دقت نگاه کن ؛ تو افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی ، مثل اینکه (گویا) آسمان ماهی‌هایی را می‌بارد .

يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ» .

مردم این پدیده طبیعی را « باران ماهی » می‌نامند .

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا .

این پدیده مردم را سالهایی طولانی شگفت زده کرد و برای آن جوابی نیافتند .

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهُندُوراس فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى^۱ .

باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی اتفاق می‌افتد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا .

این پدیده گاهی دوبار در سال اتفاق می‌افتد.

فَيُلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرْقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ .

و مردم به مدت دوساعت یا بیشتر ابر سیاه بزرگی و رعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را ملاحظه می‌کنند .

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبِخِهَا وَتَنَاوُلِهَا .

سپس زمین با ماهی‌ها پوشیده می‌شود، و مردم آن‌ها را برای پختن و خوردنش می‌برند.

حَاوِلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ ؛

دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده‌ی عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لَزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعْرِفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،

و گروهی را برای دیدن محل و شناختن ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند، فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ،

و آن‌ها دریافتند که بیشتر ماهی‌های پراکنده شده در زمین از یک نوع هستند .

وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ

و اما شگفتی کار آن است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند

بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةَ مَائَتَيْ كِيلُومِتْرٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ .

بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که به فاصله‌ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی‌ها دور هستند.

مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ ؟

علت شکل‌گیری این پدیده چیست؟

يَحْدُثُ إِغْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ

گردباد شدیدی اتفاق می‌افتد پس ماهی‌ها را با قدرت به آسمان می‌کشد و آن‌ها را به محلی دور می‌برد (می‌کشاند)

وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ .

و وقتی سرعتش را از دست می دهد ماهی ها بر روی زمین می افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمَّوْنَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ» .

مردم هندوراس سالانه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ی باران ماهی » می نامند .

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .

x ✓

۱ - يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمَّوْنَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ» .

x

اهالی هندوراس ماهانه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ی دریا » می نامند .

۲ - عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ .

✓

وقتی گردباد سرعتش را از دست می دهد ماهی ها بر روی زمین می افتند.

۳ - يَيْسَ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيْبَةِ .

x

دانشمندان از شناخت راز آن پدیده ی عجیب نا امید شدند .

۴ - إِنَّ نَزُولَ الْمَطْرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ .

✓

مسلماً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

۵ - تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ .

x

این پدیده ده بار در سال اتفاق می افتد .

اعلموا : بدانید

أشكالُ الأفعالِ : شكل های فعل ها (۱)

فعل ها در زبان عربی براساس شکل « سوم شخص مفرد در فارسی » به دو گروه تقسیم می شود.

گروه اول: فعل هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می شود.

گروه دوم: فعل هایی که علاوه بر حروف اصلی ، حروف زائد دارد.

بیشتر فعل های « ماضی سوم شخص مفرد » که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل

می شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، نَظَرَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اسْتَخْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْفَجَرَ و تَشَكَرَ؛

در کتاب های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
استفعال	استفعل	يستفعل	استفعل
افتعال	افتعل	يفتعل	افتعل
انفعال	انفعل	ينفعل	انفعل
تفعل	تفعل	يتفعل	تفعل

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
استرجاع : پس گرفتن	استرجع : پس بگیر	يسترجع : پس می گیرد	استرجع : پس گرفت
اشتغال : کار کردن	اشتغل : کار کن	يشتغل : کار می کند	اشتغل : کار کرد
انفتاح : باز شدن	انفتح : باز شو	ينفتح : باز می شود	انفتح : باز شد
تخرج : دانش آموخته شدن	تخرج : دانش آموخته شو	يتخرج : دانش آموخته می شود	تخرج : دانش آموخته شد

اختبر نفسك : خود آزمایی ترجم الأفعال التالية : فعل های زیر را ترجمه کن :

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
استغفار : آمرزش خواستن	استغفر : آمرزش بخواه	يستغفر : آمرزش می خواهد	استغفر : آمرزش خواست
اعتذار : پوزش خواستن	اعتذر : پوزش بخواه	يعتذر : پوزش می خواهد	اعتذر : پوزش خواست
انقطاع : بریده شدن	انقطع : بریده شو	ينقطع : بریده می شود	انقطع : بریده شد
تکلم : سخن گفتن	تكلّم : سخن بگو	يتكلم : سخن می گوید	تكلّم : سخن گفت

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (فی قسم الجوازات فی المطار)

گفت و گو در بخش گذرنامه در فرودگاه

المُسَافِرُ الْإِیرَانِیُّ مسافر ایرانی	شُرْطِیُّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ پلیس اداره‌ی گذرنامه
نَحْنُ مِنْ إِیرَانِ وَ مِنْ مَدِیْنَةِ زَابِلِ . ما از ایران و از شهر زابل [هستیم].	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . خوش آمدید (از دیدنتان خوشحالم) . مِنْ أَى بَلَدٍ أَنْتُمْ ؟ شما از کدام کشور (سرزمین) هستید ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي . سرورم از تو تشکر می‌کنم .	مَرَحِبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُونَا . خوش آمدید . به ما افتخار دادید (ما را مشرف فرمودید) .
أُحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ . الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ . این زبان را دوست دارم . عربی زیباست .	مَا شَاءَ اللَّهُ ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا ! ما شاء الله (هر چه خدا بخواهد) ! خوب به زبان عربی سخن می‌گویی !
سَيِّتَةٌ : وَالِدَائِ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ . شش تا : پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم .	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ؟ تعداد همراهان چند نفر است ؟
نَعَمْ ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ . بله ؛ هر کدام از ما کارتش (بلیطش) در دستش است .	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ ؟ مهمانان خوش آمدید . آیا بلیط‌های ورود دارید ؟
عَلَى عَيْنِي . به روی چشمم .	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْبَسَارِ لِتَفْتِيْشِ . آقایان در سمت راست و خانم‌ها در سمت چپ برای بازرسی .
نَحْنُ جَاهِزُونَ . ما آماده‌ایم .	رَجَاءُ ؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ . لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید (بگیرید) .

^۱ - وَالِدَائِ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ : پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم

*** از اینجا تا پایان صفحه ۶۴ فقط برای مطالعهی بیشتر است ***

فعل (ثلاثی مجرد - ثلاثی مزید)

یکی دیگر از تقسیمات فعل، تقسیم آن از لحاظ تعداد حروف در اولین صیغه‌ی ماضی است .
و از این نظر به ثلاثی ورباعی تقسیم می‌شوند که هر کدام خود به مجرد و مزید تقسیم می‌شوند.

ثلاثی مجرد : فعلی است که اولین صیغه‌ی ماضی آن فقط سه حرف اصلی داشته باشد.
ثلاثی مزید : فعلی است که اولین صیغه‌ی ماضی آن علاوه بر سه حرف اصلی ، (یک یا دو یا سه) حرف
زاید

داشته باشد .

ابواب ثلاثی مزید

فعل‌های ثلاثی مزید دارای باب‌هایی هستند ، که این بابها دارای فعل‌های ماضی مضارع و مصدر می‌باشد .
اما فعل‌های ثلاثی مزید تفاوت‌هایی نیز با ثلاثی مجرد دارند . از آن جمله اینکه بابهای ثلاثی مزید (قیاسی)
هستند . یعنی باید تمام حرکات حروف در فعل‌های ماضی ، مضارع و مصدر حفظ شوند . تفاوت‌های دیگری هم
وجود دارد که بعداً توضیح داده می‌شود .

مشهورترین بابهای ثلاثی مزید عبارتند از :

تعداد حروف زائد	حروف زائد	اولین صیغه‌ی ماضی	اولین صیغه‌ی مضارع	اولین صیغه‌ی امر حاضر	مصدر
فقط	أ	أَفْعَلَّ	يُفْعِلُّ	أَفْعِلْ	إِفْعَال
یک حرف	ا	فَاعَلَّ	يُفَاعِلُّ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَّة (فِعَال)
زائد	ع	فَعَّلَّ	يُفَعِّلُّ	فَعَّلْ	تَفْعِيل (فَعَال)
دو حرف	ت - ع	تَفَعَّلَّ	يَتَفَعَّلُّ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل
	ت - ا	تَفَاعَلَّ	يَتَفَاعِلُّ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُل
زائد	ا - ن	إِنْفَعَلَّ	يَنْفَعِلُّ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَال
	ا - ت	إِفْتَعَلَّ	يَفْتَعِلُّ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَال
سه حرف زائد	ا - س - ت	إِسْتَفَعَلَّ	يَسْتَفَعِلُّ	إِسْتَفَعِلْ	إِسْتِفْعَال

نکته ۱) با دقت در حرکات عین الفعل فعل‌های ماضی ثلاثی مزید می‌توان متوجه شد که حرکت عین الفعل در این فعل‌ها همیشه فتحه (َ) است و حرکت عین الفعل فعل‌های مضارع ثلاثی مزید در اکثر بابها (بجز دو باب تَفَعَّلُ و تَفَاعَلُ) کسره (ِ) می‌باشد . (این نکته در تشخیص ماضی یا امر بودن اینگونه فعل‌ها به شما کمک خواهد کرد .)

نکته ۲) با دقت در حرکات عین الفعل فعل‌های ثلاثی مزید می‌توان متوجه شد که حرکت عین الفعل در این فعل‌ها هیچگاه ضمه نیست پس اگر فعلی عین الفعلش ضمه باشد حتماً ثلاثی مجرد است .
مانند : يَذْكُرُ - شَرَفَ - يَبْعُدُ - أُشْكِرُوا

چند مثال برای صرف فعل‌های ثلاثی مزید

تعداد حروف زائد	حروف زائد	اولین صیغه‌ی ماضی	اولین صیغه‌ی مضارع	اولین صیغه‌ی امر حاضر	مصدر
فقط	أ	أَكْرَمَ	يُكْرِمُ	أَكْرِمْ	إِكْرَام
یک حرف زائد	ا	جَاهَدَ	يُجَاهِدُ	جَاهِدْ	مُجَاهِدَةٌ (جِهَاد)
	ل	سَلَّمَ	يُسَلِّمُ	سَلِّمْ	تَسْلِيم (سَلام)
دو حرف زائد	ت - ل	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمْ	تَعَلُّم
	ت - ا	تَقَاتَلَ	يَتَقَاتَلُ	تَقَاتَلْ	تَقَاتُل
	إ - ن	إِنْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	إِنْكَسِرْ	إِنْكِسَار
	إ - ت	إِنْتَظَمَ	يَنْتَظِمُ	إِنْتَظِمْ	إِنْتِظَام
سه حرف زائد	إ - س - ت	إِسْتَخْرَجَ	يَسْتَخْرِجُ	إِسْتَخْرِجْ	إِسْتِخْرَاج

نکته ۸ درست کردن فعل امر در باب افعال با تمام فعل‌ها متفاوت است .

قبلاً درباره طرزساخت فعل امر حاضرگفتیم :

این نوع فعل امر را از شش صیغه مخاطب فعل مضارع به ترتیب زیر می‌سازیم :

الف - مجزوم کردن فعل مضارع

ن ← حذف (ن) از آخر فعل مضارع (بجز صیغه ۱۲)

ب - حذف (ت) از اول فعل مضارع

ج - افزودن همزه با توجه به حرکت عین الفعل

یا --- « (بجز باب افعال) (اُ)

اگر عین الفعل کسره (ـِ) یا فتحه (ـَ) داشت ما همزه ی امر را کسره (ـِ) می‌دهیم .

و اگر عین الفعل در فعل ضمه (ـُ) داشت ما نیز همزه امر را ضمه (اُ) می‌دهیم .

تفاوت مهم : همزه امر در باب افعال همیشه مفتوح (اُ) است . پس اگر فعل امری همزه ی مفتوحه (ـَ)

یا حرف (آ) داشت حتماً باب افعال و ثلاثی مزید است . مانند :

تُكْرِمُ ← تَكْرِمُ ← كَرِمُ ← اَكْرِمُ

چند مثال دیگر : اَعْطُ - اَنْزِلُ - اَسْلِمُ - اَطِيعُوا - اَجْلِسُوا - اَتِ - اَمِنْ (اُ + اُ = آ)

علت این تفاوت این است که مضارع باب افعال در اصل (يُؤْفَعِلُ) بوده که برای راحتی در تلفظ همزه‌ی

آن حذف شده است . (تُؤْفَعِلُ « -- امر حاضر -- » اَفْعَلُ)

نکته ۹ تنها فعل ثلاثی مزید که خیلی شبیه فعل‌های مضارع ثلاثی مجرد است، فعل مضارع باب افعال است .

با این تفاوت که حرکت حرف مضارعة مضارع باب افعال ضمه (ـُ) است . (يُفْعَلُ)

يُكْرِمُ - يُحْسِنُ - يُشْرِكُ - يُعْطِي - يُؤْتِي - يُؤْمِنُ - يُرِيدُ - يُقِيمُ

نکته ۱۰ در مورد فعل های که با (إِن ...) شروع می شوند ، دقت نمائید که اگر بعد از (إِن) حرف (ت) بیاید این فعل از باب افتعال است نه إنفعال .

إِنْتَظَمَ ، إِنْتَبَهَ ، إِنْتَشَرَ ، إِنْتَظَرَ ، إِنْتَصَفَ و ... --- « از باب إنفعال هستند .
 إِنْجَمَدَ ، إِنْقَلَبَ ، إِنْبَسَطَ ، إِنَطَّلَقَ ، إِنْحَرَفَ و ... --- « از باب إنفعال هستند .
 * دقت نمائید فعل أُنْتَجَ از باب إفعال است . أُنْتَجَ يُنْتِجُ إنتاج

} شروع فعل
 إِنْ + ت ... «---» باب إفعال : إِنْتَظَمَ ، إِنْتَبَهَ ، إِنْتَشَرَ ، إِنْتَظَرَ ، إِنْتَصَفَ
 إِنْ + * ... «---» باب إنفعال : إِنْجَمَدَ ، إِنْقَلَبَ ، إِنْبَسَطَ ، إِنَطَّلَقَ ، إِنْحَرَفَ

نکته ۱۱ فعل های باب (انفعال) در اکثر موارد بصورت (لازم) ترجمه می شوند .

إِنْجَمَدَ الْمَاءُ . (آب یخ بست .)

فعل فاعل و مرفوع
لازم

نکته ۱۲ فعل های باب (استفعال) غالباً متعدی هستند . (فعل إِسْتَيْقَظَ : بیدار شد ، لازم است)

إِسْتَخْدَمَ الْمُدِيرُ الْمُعَلِّمَ اللَّائِقَ فِي الْمَدْرَسَةِ . (مدیر ، معلم کاردان و لائق را در مدرسه به کار گرفت .)

فعل فاعل مفعول به و صفت و به جار و مجرور
متعدی و مرفوع منصوب تبعیت منصوب

نکته ۱۳ در اکثر فعل های ثلاثی مزید - اگر به شکل های زیر باشند - ، به حرکت عین الفعل دقت نمائید تا نوع فعل را تشخیص دهید .

أَمِينُوا - اجْتَهِدُوا - اُكْرِمُوا - جَاهِدُوا --- « همگی امر صیغه ی ۹ هستند .

أَمِنُوا - اجْتَهَدُوا - اُكْرِمُوا - جَاهَدُوا --- « همگی ماضی صیغه ی ۳ هستند .

نکته ۱۴ بعضی از فعل‌های لازم را می‌توانیم با بردن به باب (إفعال) یا (تفعیل) متعدی کنیم . پس اکثر فعل‌هایی که در باب إفعال یا تفعیل هستند متعدی‌اند . البته فعل‌هایی هم در این باب‌ها وجود دارند که متعدی نیستند . مانند : (أفلحَ : رستگار شد) (أفاقَ : بیدار شد) (أسرعَ : شتافت) (أزهرَ : شکوفه داد) (أسلمَ : اسلام آورد) (أقبلَ : روی آورد) (أظلمَ : تاریک شد) و ...

مانند: نَزَلَ (فرود آمد) --- « ماضی باب إفعال --- » أَنْزَلَ (فروفرستاد)

نَزَلَ (فرود آمد) --- « ماضی باب تفعیل --- » نَزَّلَ (فروفرستاد)

نَزَلَ الطَّائِرُ .	أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ .	نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ .
فعل فاعل و مرفوع	فعل فاعل مفعول به و منصوب	فعل فاعل و مرفوع مفعول به
لازم	متعدی و مرفوع	متعدی و مرفوع و منصوب
(پرنده پائین آمد .)	(خداوند قرآن را نازل کرد .)	(خداوند قرآن را نازل کرد .)

(دانش آموز نشست .)

جَلَسَ التَّلْمِيزُ .

فعل لازم فاعل و مرفوع

(معلم دانش آموز را در جایش نشاند .)

أَجْلَسَ الْمُعَلِّمُ التَّلْمِيزَ فِي مَكَانِهِ .

فعل فاعل مفعول به جار و مجرور م.إليه و مجرور محلاً

متعدی و مرفوع و منصوب

کاربرد بابهای ثلاثی مزید :

از اینکه فعل‌ها را به بابهای ثلاثی مزید می‌بریم هدفی داریم و این هدف همان کاربرد این باب‌ها می‌باشد .

باب	کاربرد
إفعال و تفعیل مانند (إكرام - تصدیق)	متعدی کردن فعل های لازم
مفاعلة و تفاعل مانند (مشاركة - تعاون)	بیان کارهای مشارکتی
استفعال مانند (إستغفار)	برای بیان طلب و درخواست
تفعل - إنفعال - إفتعال مانند (تعلم - إنجماد - إكتساب)	برای بیان مطاوعة (اثر پذیری)

نکته ۱۵) فعل های باب (استفعال) غالباً برای معنای (طلب و درخواست) بکار می‌روند .

مانند : اِسْتَعْفَرَ : طلب بخشایش کرد .

مانند : اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي لِذُنُوبِي . (از خداوند برای گناهانم طلب بخشایش می‌کنم .)

نکته ۱۶) فعل های باب (مفاعلة) و (تفاعل) غالباً برای بیان کارهای مشارکتی بکار می‌روند .

* در باب مفاعلة مشارکت یک جانبه است و فعل ، یک فاعل دارد .

Translate : در ترجمه باب (مفاعلة) میان فاعل و مفعول به از کلمه (با) استفاده می‌کنیم .

مانند : جَاهِدَ الْمُسْلِمُونَ الْكُفَّارَ . (مسلمانان با کفار جهاد کردند .)

Translate : در ترجمه باب (تفاعل) معمولاً از کلماتی نظیر (باهم ، با یکدیگر) استفاده می‌کنیم . مانند :

تَعَاوَنَ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ . (مردم در ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند .)

* فعل های باب (تَفَعَّلَ) (افتعال) و (انفعال) برای بیان (مطاوعه = اثر پذیری) بکار می‌روند . مانند :

اِنْكَسَرَ الْقَلَمُ . (قلم شکست .) --- «شکسته شدن قلم

تَعَلَّمَ التَّلْمِيزُ دَرْسَهُ . (دانش آموز درسش را فرا گرفت .) --- «فرا گرفتن درس

اِكْتَسَبَ الْوَلَدُ التَّجَارِبَ . (فرزند تجربه‌ها را کسب کرد .) --- «کسب تجربه

در سه مثال بالا (قلم ، دانش آموز و فرزند) اثری که فعل بر روی آنها گذاشته است - یعنی شکستن ، فرا گرفتن و

کسب تجربه - را پذیرفته اند .

التَّمارينُ

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ .
 تمرین اول : جمله ی صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن :

- ۱ - الْمَهْرَجَانُ إِحْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلامِ .
 جشنواره (فستیوال) جشنی به مناسبتی زیباست ، مانند جشنواره ی گل ها و جشنواره ی فیلم ها .
- ۲ - التَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نَزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ .
 برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر کوه ها نازل می شود .
- ۳ - يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالتُّوروزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ .
 ایرانی ها نوروز در اولین روز از روزهای سال شمسی جشن می گیرند .
- ۴ - تَعْيِشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ .
 ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع گوناگونی دارند .
- ۵ - الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ .
 گردباد باد شدیدی است که از مکانی به مکانی دیگر منتقل نمی شود .

التَّمرينُ الثَّانِي : عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ .

تمرین دوم : جواب صحیح را مشخص کن :

- ۱ - الْمَاضِي مِنْ « يَنْقَطِعُ » :
 انْقَطَعَ قَطَعَ تَقَطَّعَ
- ۲ - الْمَضَارِعُ مِنْ « اسْتَرْجَع » :
 يُرَاجِعُ يَرْجِعُ يَسْتَرْجِعُ
- ۳ - الْمَصْدَرُ مِنْ « تَعَلَّمَ » :
 اسْتِعْلَامُ تَعَلُّمٌ تَعْلِيمٌ
- ۴ - الْأَمْرُ مِنْ « تَسَمَّعَ » :
 اسْتَمَعَ تَسَمَّعَ اسْمَعُ
- ۵ - النَّهْيُ مِنْ « تَحْتَفِلُ » :
 مَا احْتَفَلَ لَا تَحْتَفِلُ لَا تَحْتَفِلُ
- ۶ - الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ « يَبْتَسِمُ » :
 سَبَّيْتَسِمُ ابْتَسَامُ ابْتَسِمُ

فعل نهی = لا + فعل مضارع مجزوم
 فعل مستقبل = سَـ يا سَوَفَ + فعل مضارع

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتْرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠
 تمرین پنجم : کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن :

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَقَلَةٌ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ
 أَصْبَحَ = صَارَ / أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ / حَقَلَةٌ = مِهْرَجَانَ / صُعُودَ ≠ نُزُولَ

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا .
 تمرین ششم : در جای خالی فعل مناسبی قرار بده .

۱ - (فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ ...) الْغَافِرُ : ۵۵ اسْتَغْفِرُ اسْتَرْجِعُ
 پس صبر پیشه کن . یقیناً وعدهی خدا حق است ، و برای گناهت آمرزش بخواه ...

۲ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ تَخْرُجُ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ .
 تَخْرَجْنَا تَخْرُجُ
 اگر خدا بخواهد پس همه‌ی ما بعد از دو سال از مدرسه دانش آموخته (فارغ التحصیل) خواهیم شد .

۳ - إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي .
 انْقَطَعَ انْقَطَعْتُ
 بریدم برید
 خدای من ! امیدم از مردم بریده شده است و تو امیدم هستی .

۴ - كَانَ صَدِيقِي يَنْتَظِرُ وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ .
 يُصَدِّقُ يَنْتَظِرُ
 دوستم انتظار می کشید پدرش را برای برگشتن به خانه .
 باور می کند

۵ - أَنَا وَ زَمِيلِي اسْتَلَمْنَا رَسَائِلَ عِبَرِ الْإِنْتَرْنِتِ .
 اسْتَلَمْتُ اسْتَلَمْنَا
 من و دوستم نامه‌هایی را از راه اینترنت دریافت کردیم .

أنوار القرآن

اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ .
جواب صحیح را در ترجمه فارسی انتخاب کن .

۱ - (وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ) يوسف : ۸۷

و از رحمت خدا نا امید نشوید نشدند ؛
زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نشده است نمی شود .

۲ - (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) النحل : ۱۲۵

با دانش و فرمان اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان
و با آنان به (شیوه ای) که خوب بهتر است گفت و گو کن.

۳ - (فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي) البقرة : ۱۵۲

پس ما را مرا یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید شکر‌گزاری کنید .

۴ - (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ...)

خدا به کسی جز به اندازه توانش درخواستش تکلیف نمی دهد؛

۵ - (... لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ...)

هر کس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده به سودش زیانش است،
و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده به سودش زیانش است.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ .

پژوهش علمی

به دنبال قصه‌ی قرآنی کوتاهی به زبان عربی در اینترنت یا مجله‌ای یا کتابی بگرد و آن را با کمک لغت‌نامه‌ی عربی به فارسی ترجمه کن .

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص : ۷)

و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده، و چون بر او ترسیدی او را به دریا بیفکن و [از تلف شدنش] نترس و [از دوری او] غمگین مباش که ما او را به تو برمی‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم.

وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ ... (هود : ۴۴)

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن!» و آب فرو نشست و کار پایان یافت و [کشتی] بر [دامنه کوه] جودی، پهلو گرفت ...